

مقاومت جوانان خرمشهری با دست‌خالی / شهر سقوط کرد اما «ایمان» نه

هشت سال دفاع مقدس صحنه رشادت‌های بی‌نظیری از سوی مردم بود ولی بی‌شک قیام جوانان خرمشهری برای متوقف کردن ماشین جنگی صدام آن‌هم با دست‌خالی از اتفاقات فراموش‌نشده است.



هشت سال دفاع مقدس صحنه رشادت‌های بی‌نظیری از سوی مردم بود ولی بی‌شک قیام جوانان خرمشهری برای متوقف کردن ماشین جنگی صدام آن‌هم با دست‌خالی از اتفاقات فراموش‌نشده است.

خبرگزاری مهر، گروه استان‌ها: عباس یاسری که اکنون بیش از ۶۰ سال دارد و مو سفیده کرده است، هنوز هم با یادآوری روزهای ابتدایی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران می‌گوید: «تا انقلاب روزهای خوش خود را به ما نمی‌داند جنگ چقدر چهره ترسناک و خشنی دارد. جنگ به کسی رحم نمی‌کند، همه چیز را با خاک یکسان می‌کند.»

حاج عباس، کارمند تازه استخدام یکی از سازمان‌های آبادان بود که در دوران جنگ هم به فراخور شغلش تقریباً در آبادان ماند و روزهای پرمشغلتی را پشت سر گذاشت. او عقیده دارد: «تازه انقلاب روزهای خوش خود را به ما نشان داده بود و ما در آبادان واقعاً روزهای خوشی داشتیم که جنگ چهره خشن خود را نمایان کرد. روزها و شب‌های تلخی برای ما آغاز شد و شهر ما هشت سال تمام زیر آتش دشمن ماند و اکنون نیز بعد از گذشت سال‌ها هنوز هم آبادان، آبادان نشده است.»

بچه‌های رزمنده آبادان و خرمشهر عقیده دارند، جنگ به شکل رسمی روز ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ آغاز شد ولی به صورت غیررسمی قبل از آن روز آغاز شده بود، چرا که تحرکات روزهای قبل ارتش عراق در مرزها نشان می‌داد آن‌ها سودایی شوم در سر دارند و قصد دارند به شهرهای ایران دست‌اندازی کنند ولی توصیه‌ها و اخطارهای بچه‌های سپاه به دولت بنی‌صدر، پشت گوشه انداخته می‌شد تا اینکه عراق با استفاده از ارتش تا بن دندان مسلح خود به سمت مرزهای ایران یورش برد.

محمد نورانی یکی از مدافعان شهر خرمشهر که در زمان آغاز جنگ ۲۲ ساله بوده است در خصوص آغاز جنگ می‌گوید: از یک ماه و ۱۰ روز پیش از آغاز جنگ رسمی، عراق تحرکات خود را در مرزهای ایران شروع کرد که در این درگیری‌ها چند تن از پاسداران ما شهید شدند. عراق از تاریخ ۲۱ شهریورماه ۱۳۵۹ آتش‌کاری خود را روی مواضع و روستاهای خرمشهر عملاً آغاز کرد و ۳۱ شهریورماه ۱۳۵۹ رسماً اعلام جنگ کرد. آن‌ها با ماشین جنگی پیشرفته‌ای که داشتند، روستا به روستا پیشروی کردند.

آغاز رسمی جنگ

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رژیم بعثی عراق با تصمیم و طرح قبلی و با هدف برانداختن نظام نوپای جمهوری اسلامی جنگی تمام‌عیار را علیه ایران اسلامی آغاز کرد. صدام حسین رئیس‌جمهور عراق با ظاهر شدن در برابر دوربین‌های تلویزیون عراق و پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، آغاز تجاوز رژیم بعثی به خاک ایران را اعلام کرد.

جنگی نابرابر در شرایطی به ایران اسلامی تحمیل شد که از جانب استکبار جهانی به ویژه آمریکا تحت فشار شدیدی قرار داشت و در داخل کشور نیز جناح‌های وابسته به غرب و شرق، با ایجاد هیاهوی تبلیغاتی و ایجاد درگیری‌های نظامی درصدد تضعیف نظام بودند و نیروهای نظامی نیز به خاطر نوپا بودن انقلاب، هنوز مراحل بازسازی و ساماندهی را به‌طور کامل پشت سر نهاده بودند.

جنگ که آغاز شد، خرمشهر بیش از هر شهر دیگری آسیب دید و در خط مقدم قرار گرفت ولی بچه‌های خرمشهر بیکار نبودند و با سلاح‌هایی ابتدایی که گاه در میان آن‌ها برنوهای زهوار در رفته هم مشاهده می‌شد، ماشین جنگی عراق را در مرزها تا حدودی متوقف کردند تا خانواده‌هایی که در شهر خرمشهر بودند فرصت پیدا کنند شهر را ترک کنند.

نورانی عقیده دارد: حمله عراق به خرمشهر مغول وار بود و آن‌ها هیچ ابایی از به خاک و خون کشیدن مردم و ویران کردن شهرهای مرزی ایران نداشتند. همین قساوت دشمن بعثی باعث شد اهالی خرمشهر تصمیم به دفاع بگیرند. دیدن آن صحنه‌ها برای جوانان خرمشهر خیلی تکان‌دهنده بود. این خاطره را قبلاً هم تعریف کرده‌ام، یادم می‌آید که در یکی از صحنه‌های جنایت، اعضای یک خانواده با شلیک توپخانه ارتش بعث هنگام صبحانه قتل‌عام شده بودند. از میان آن‌ها زنی، بچه‌اش از ناحیه سر ترکش خورده بود و خون از سر و صورتش جاری شد، مادر بچه با گریه و فریاد راهی کوچه و خیابان شده بود و آه و ناله‌اش خون جوانانی که ناظر صحنه بودند را به جوش آورد. همین صحنه‌ها تکان‌دهنده جوانان خرمشهری را به قیام واداشت.

نورانی در خصوص ساماندهی بچه‌های خرمشهر برای دفاع از شهر هم می‌گوید: مسلح شدن جوانان خرمشهر و تشکیل اولین هسته مقاومت، ایده شهید جهان‌آرا بود. او پس‌ازآنکه خیل جوانان دختر و پسر مقابل سپاه صف بستند، دستور داد، انبار سلاح به روی آن‌ها گشوده شود. یادم هست که سلاح‌های آن روز از پادگان زمان شاه مانده بود. اسلحه آن روز بچه‌ها عمدتاً - سه - و - یک - و - برنو - بود که عمدتاً برای مرزبانی در رژیم گذشته استفاده می‌شد اما چون جنگ ماهیت شهری پیدا کرده بود مردم با هر ابزاری که می‌توانستند از سلاح گرم تا سرنیزه و حتی کوکتل مولوتف مبارزه را شروع کردند حتی عشایر منطقه با اسلحه شکاری‌شان به میدان آمدند یا آنکه دختران و پسران جوان با بمب‌های دست‌ساز به مقابله با تانک و زره‌پوش‌ها و زره‌های دشمن می‌رفتند.

۴۸۰ شهید غیرنظامی تا روز سوم جنگ

طبق آمار موجود در روز سوم هجوم دشمن به کشور تعداد شهدای غیرنظامی به ۴۸۰ نفر اعم از زن و مرد و کودک رسید درحالی‌که بسیاری دیگر دچار جراحت بسیاری شدند و ساختمان‌های شهرهای جنوبی خوزستان به کلی تخریب شد. بسیاری از انبارها و تأسیسات طعمه حریق شده بودند و اغلب ادارات بدون تخلیه امکانات و اسناد تعطیل شده بود و هر از چند گاهی یکی از آن‌ها دستخوش حمله دشمن می‌شد.

حمید محمودی که در آن روزها دانش‌آموز بود، گفت: به همراه پدر و مادر و برادرانم برای آغاز سال تحصیلی جدید از بازار - لاین یک احمد آباد - لباس و کیف و کفش گرفته بودیم و برای آغاز سال تحصیلی جدید لحظه‌شماری می‌کردم که یک روز قبل از آغاز سال تحصیلی، بدترین خاطرات زندگی زیبا و بی‌حاشیه ما برایمان رقم خورد.

وی افزود: آن روزها باید به کلاس سوم ابتدایی می‌رفتم درحالی‌که معدل کلاس اول و دوم من نمره ۲۰ را نشان می‌داد. به علت آغاز جنگ و سرگردانی من و خانواده‌ام بین شهرهای اهواز، شوشتر و برخی روستاهای بین این دو شهر آن سال به مدرسه نرفتم. وقتی سال بعد به مدرسه رفتم آن‌قدر از درس و مدرسه متنفر شده بودم که دیگر بیش از کلاس سوم درس نخواندم و بعد از دو سال در کلاس سوم، مجبور به ترک تحصیل شدم.

کشتار پناه‌جویان شلمچه

احمد بحرانی یکی دیگر از شاهدان جنگ و کسی که مستقیماً منزلش مورد اصابت نیروهای دشمن قرار گرفته به خبرنگار مهر می‌گوید: هم‌زمان با شروع حملات و حرکت نیروهای زمینی ارتش عراق در مرزهای خاکی که سمت شلمچه بود مردم آن مناطق ناچار خانه و کاشانه خود را ترک می‌کنند و در مناطقی این‌سوی کارون در جزیره مینو ساکن می‌شوند.

وی می‌افزاید: مهاجرت مردم موقتی بود چرا که همه مردم تصور می‌کردند که تعرض عراق موقتی بوده و با دخالت سازمان ملل این جریان پایان می‌یابد ولی متأسفانه سکوت مجامع غربی و چراغ سبز آن‌ها به رژیم بعث صدام، باعث شد این جنگ هشت سال خرابی و آوارگی و کشتار مردم بی‌دفاع را در بر داشته باشد.

احمد ادامه می‌دهد: تعداد زیادی از مردم شلمچه که از مناطق خود به سمت جزیره مینو آمده بودند در روستاهای آخر این جزیره مورد استقبال مردم روستاها قرار گرفته و در خانه‌های آنان ساکن شدند. چند روزی از جنگ می‌گذشت تا آن روز به‌صورت مستقیم به خانه‌های مردم حمله نمی‌شد.

؛ اگر خرمشهر سقوط کرد دوباره آن را پس می‌گیریم، مراقب باشیم ایمانمان سقوط نکند.؛

یکی از رزمندگانی که شاهد سخنان جهان‌آرا بود، می‌گوید: در آن لحظات حساس کمتر کسی از رزمندگان با چنین دیدی به موضوع سقوط خرمشهر نگاه می‌کرد. در واقع وجود بسیاری از ما مملو از غم و کینه از دشمن بود، اما جهان‌آرا و امثال او نگاهی الهی به وقایع داشتند و تاریخ نشان داد که چطور با آزادسازی خرمشهر، حرف جهان‌آرا به واقعیت تبدیل شد. به راستی برنده واقعی کسی بود که ایمان خود را حفظ کرد و در برابر ناملایماتی چون سقوط خرمشهر، یأس و ناامیدی را به خود راه نداد.

همبازی‌هایم مقابل چشمانم غرق در خون شدند

سید حسین موسوی که در آن زمان نوجوانی بیش نبود از خاطرات از دست دادن دوستان همبازی خود در آن زمان به خبرنگار مهر می‌گوید: از آغاز جنگ تحمیلی، شدت حملات روز به روز بیشتر شده بود، از سوی نیروهای رزمنده به مردم اعلام شده بود که محل سکونت را ترک کنند و به جاهای امن‌تر خارج از شهر بروند. آمار شهدا و زخمی‌های مردم بی‌دفاع شهرها و روستاهای خرمشهر و آبادان بسیار بالا رفته بود، ولی با این حال باز مردم به راحتی نمی‌توانستند دیار و کاشانه خود را ترک کنند.

موسوی تصریح کرد: دشمن با هدف نسل‌کشی بی‌رحمانه و بمباران تمامی مناطق مسکونی و تأسیساتی آمده بود و از این کار هم هیچ ابایی نداشت به همین دلیل به اصرار نیروهای رزمنده از شهر خارج شدیم، چون دیگر کسی جرات ماندن در شهری که ثانیه به ثانیه آن زیر آتش موشک و بمب‌های دشمن بود نداشت.

هر قدم که در شهر برمی‌زدیم؛ داشتیم کودکان کشته‌شده؛ شده‌ای را می‌دیدم که چهره آن‌ها؛ برایم آشنا بود

وی عنوان می‌کند: کاملاً این صحنه‌ها را در ذهن خود دارم و هر وقت به آن فکر می‌کنم ناخودآگاه اشک چشمانم را خیس می‌کند، هر قدم که در شهر برمی‌زدیم؛ داشتیم کودکان کشته‌شده؛ شده‌ای را می‌دیدم که چهره آن‌ها برایم آشنا بود. فرید با چشمانی گریان و بغضی در گلو ادامه می‌دهد: چهره خون‌آلود دوستانم هیچ‌گاه از نظرم محو نمی‌شود. عبدالرضا، رسول و همبازی‌ها و همکلاسی‌های من غرق در خون و در حال جان دادن بودند.

یکی از کارکنان پالایشگاه آبادان هم در مورد هجوم دشمن به این پالایشگاه گفت: آن زمان پالایشگاه آبادان که ظرفیت روزانه ۶۳۰ هزار بشکه نفت در روز را داشت یکی از بزرگ‌ترین پالایشگاه‌های کشور بود و طبیعی بود که دشمن از آن به عنوان اولین هدف تهاجمی استفاده می‌کند و این چنین شد و در شامگاه روز سی و یکم این پالایشگاه مورد حمله قرار گرفت و تعداد فراوانی از همکاران ما به خیل عظیم شهیدان پیوستند اما برای من جالب و حیرت‌انگیز این بود که با وجود بمباران شدید این پالایشگاه هیچ‌یک از کارکنان آن ترسی از جنگ و بمباران نداشتند و تا روز آخر جنگ عملیات این پالایشگاه در جریان بود ضمن اینکه برخی از تجهیزات را که نمی‌توانستیم با پدافند غیرعامل حفظ کنیم به سایر نقاط کشور منتقل کردیم.

غلامرضا بغلانی نیز در مورد حال و هوای آغاز جنگ در خرمشهر می‌گوید: هنوز ۱۹ ماه از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که صدام ناقوس جنگ را به صدا درآورد، ما هم که هنوز از پیروزی انقلاب خوشحال بودیم و توانسته بودیم با چوب و سنگ در خرمشهر علیه رژیم شاه قیام کنیم تحمل هجوم دشمن بیگانه به خاک خود را نداشتیم و یادم می‌آید در همان روز اول با برخی از همفکرانم به دنبال اسلحه بودیم تا در مقابل هجوم دشمن به شهر مقاومت کنیم ولی اسلحه‌ای یافت نمی‌شد تا اینکه گفتند در یکی از مناطق خرمشهر با تحویل شناسنامه تفنگ برنو می‌دهند، ما هم این کار را کردیم ولی این تفنگ آن قدر قدیمی و پوسیده بود که حتی ۱۰ تیر هم با آن شلیک نکردم و مجبور شدیم در پشت جبهه به دفاع بپردازیم.

غلامحسین گلستانی یکی از کسانی که در هنگام آغاز جنگ در آبادان حضور داشت در مورد خاطرات زمان جنگ می‌گوید: هواپیماهای عراقی، آبادان به خصوص پالایشگاه و اطراف آن را به شدت بمباران کردند، خانواده و فامیل همه رفتند شهرهای دیگر ولی من که آن زمان ۱۶ سال داشتم به همراه برادرم در شهر ماندیم چون تمام دار و ندارمان در خانه مانده بود و خارج کردن آن مشکل بود.

وی می‌گوید: در همان روز اول برادرم که از من بزرگ‌تر بود به نیروهای بسیجی پیوست و در جنگ شرکت

کرد و من حدود یک هفته را تک و تنها زیر بمباران شدید شهر در خانه بسیار بزرگ پدری کنار رودخانه کارون سرکردم، یک هفته بعد وقتی سراغ برادرم رفتم به من گفتند به نیرو احتیاج داریم و من ابتدا به آشپزخانه رفتم و این رفتن حدود هشت سال طول کشید و من در تمام دوران جنگ در همه بخش‌ها به‌ZWNJ؛ صورت بسیجی حضور داشتم.

حمایتهای جهانی از صدام

در خلال جنگ تحمیلی، عراق از حمایت بی‌ZWNJ؛ دریغ تسلیحاتی، مالی و سیاسی بین‌ZWNJ؛ المللی برخوردار بود. فرانسه، شوروی، انگلستان و چین در صدر صادرکنندگان اسلحه موردنیاز عراق قرار داشتند، آلمان تأمین‌ZWNJ؛ کننده عمده جنگ‌ZWNJ؛ افزارهای شیمیایی عراق بود و دولت‌ZWNJ؛ های عرب حوزه خلیج‌ZWNJ؛ فارس تأمین‌ZWNJ؛ کننده عمده نیازهای نفتی، مالی و ترابری عراق بودند.

دولت عراق در سال ۱۳۵۸ حدود ۱۲ میلیارد دلار صرف خرید تسلیحات کرد، اما در ۱۳۶۱ توانست در خرید جنگ‌ZWNJ؛ افزار از عربستان سعودی سبقت گیرد و در سال ۱۳۶۳ بودجه نظامی بغداد از مجموع بودجه نظامی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌ZWNJ؛ فارس بیشتر شد. در این سال عراق ۴۰ درصد درآمدهای داخلی خود را صرف خرید جنگ‌ZWNJ؛ افزار از آمریکا، انگلیس، فرانسه و روسیه کرد. هزینه‌ZWNJ؛ ای که عراق در دهه ۱۳۶۰ صرف خرید سلاح از آمریکا و اروپا کرد، از هزینه تسلیحاتی کشورهای صنعتی اروپای غربی در همین دهه بیشتر بود. در این دهه عراق، دو برابر آلمان غربی بودجه نظامی داشت.

نه در آمریکا، نه در اروپا، نه در روسیه و نه در سازمان ملل، هیچ منعی برای تسلیح مداوم عراق به انواع جنگ‌ZWNJ؛ افزارهای کشتارجمعی در دهه ۱۳۶۰ وجود نداشت. بسیاری از این سلاح‌ZWNJ؛ ها در شرایطی به عراق سرازیر می‌ZWNJ؛ شد که این کشور پولی برای خرید آن‌ZWNJ؛ ها نداشته و خود را همه‌ZWNJ؛ ساله به فروشندگان خود مقروض می‌ZWNJ؛ ساخت. بسیاری از واردات نظامی نیز با صادرات نفتی پاسخ داده می‌ZWNJ؛ شد.

در کنار فعالیت مستقیم کارخانه‌ZWNJ؛ های جنگ‌ZWNJ؛ افزارسازی وابسته به دولت‌ZWNJ؛ ها، مؤسسات خصوصی مختلف نیز در این راستا صرفاً جهت کسب درآمد هرچه بیشتر وارد معرکه شده و بدون توجه به قوانین داخلی هر کشور در مورد منع صدور سازوبرگ نظامی به کشورهای درگیر جنگ و حتی قوانین و کنوانسیون‌ZWNJ؛ های بین‌ZWNJ؛ المللی ناظر بر جلوگیری از تولید و فروش سلاح‌ZWNJ؛ های غیرمتعارف، عراق را به‌ZWNJ؛ صورت یک زرادخانه عظیم درآوردند.

آمارهای جنگ چه می‌ZWNJ؛ گویند؟

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران دو هزار و ۸۸۷ روز به طول انجامید که طی آن هزار روز نبرد فعال صورت گرفت که ۷۹۳ روز حمله از سوی رزمندگان اسلام بود و ۲۰۷ روز از سوی ارتش متجاوز بعثی. در طول جنگ شمار ۲۸۱ هزار و ۶۸۰ نفر از نیروهای دشمن کشته و یا زخمی‌ZWNJ؛ شدند و ۷۲ هزار نفر به اسارت نیروهای اسلام درآمدند.

در این هشت سال ۳۷۱ فروند هواپیما و ۸۲ فروند بالگرد دشمن منهدم شد. یک هزار و ۷۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۸۰ قبضه توپ و سه هزار و ۳۶۳ دستگاه خودروی نظامی به غنیمت ایران درآمد و پنج هزار و ۷۵۸ دستگاه تانک و نفربر، ۵۳۲ قبضه توپ و پنج هزار و ۱۵۲ دستگاه و خودرو نظامی دشمن منهدم شد.

مقاومت رزمندگان اسلام سبب شد تا ذخایر ارزی عراق که در ابتدای جنگ، حدود ۳۰ میلیارد دلار بود، پس از شکست در عملیات بیت‌ZWNJ؛ المقدس و فتح خرمشهر به صفر برسد و پس از پایان جنگ، این کشور بیش از ۷۰ میلیارد دلار بدهی داشته باشد.

در طول هشت سال دفاع مقدس حتی یک وجب از خاک میهن اسلامی ایران به دست دشمن باقی نماند و این افتخار در تاریخ ۴۰۰ سال گذشته ایران بی‌ZWNJ؛ نظیر است.

حدود پنج هزار نفر از اسرای عراقی به ایران پناهنده شده‌ZWNJ؛ اند که توسط صلیب سرخ ثبت‌ZWNJ؛ نام و تعداد زیادی از آن‌ZWNJ؛ ها در ایران ازدواج کرده و تشکیل خانواده داده‌ZWNJ؛ اند و تا قبل از سقوط صدام حاضر به بازگشت به کشورشان نبودند.

در طول جنگ، ۱۲۷ شهر از شهرهای کشور موردتهاجم هوایی و موشکی قرارگرفته‌ZWNJ؛ اند. از میان شهرهای

موردتهاجم، آبادان با بیش از یک هزار و ۱۷ بار رتبه اول، اهواز با ۳۱۶ بار رتبه دوم و دزفول با ۲۴۱ بار رتبه سوم قرار دارد. بیش از ۶۳ درصد از حملات دشمن به شهرهای کشور با هوایما، ۳۲ درصد با توپخانه و در حدود پنج درصد نیز با موشک صورت گرفته است.

در طول جنگ، ۱۲۷ شهر از شهرهای کشور موردتهاجم هوایی و موشکی قرارگرفته‌اند؛ از میان شهرهای موردتهاجم، آبادان با بیش از یک هزار و ۱۷ بار رتبه اول، اهواز با ۳۱۶ بار رتبه دوم و دزفول با ۲۴۱ بار رتبه سوم قرار دارد.

شهر تهران در دوران جنگ ۹۲ بار موردتهاجم هوایی و موشکی قرار گرفته است. در روزهای پایانی سال ۱۳۶۶ سومین جنگ شهرها علیه ایران آغاز شد و برای اولین بار موشک‌های عراقی که برد آن‌ها به کمک متخصصان خارجی افزایش یافته بود، به شهرهای تهران و قم اصابت کرد.

حداکثر تعداد شهدا در یک‌بارتهاجم به شهرهای کشور ۸۰۰ نفر است که بر اثرتهاجم هوایماهای دشمن به شهر کرمانشاه در آذرماه ۱۳۶۵ اتفاق افتاد. حداکثر تعداد مجروحان در یک‌بارتهاجم به شهرهای کشور چهار هزار نفر است که بر اثرتهاجم هوایماهای دشمن به شهر اهواز در تیرماه ۱۳۶۷ اتفاق افتاد.

در گزارش هیئت اعزامی از طرف سازمان ملل که در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۷۰ وارد تهران شدند چنین آمده است: پنج استان ایران صحنه جنگ بوده و ۱۱ استان موردحمله قرار گرفته ۵۰۰ شهر و چهار هزار روستا بر اثر جنگ خسارت دیده‌اند.

خسارات مستقیم وارده به جمهوری اسلامی ایران به نظر این هیئت بیش از ۹۷ میلیارد دلار تخمین زده شده است.

زباله‌دان تاریخ عاقبت تجاوزکاران

عباس یاسری که هنوز بسیار واضح و روشن روزهای تلخ جنگ را به یاد می‌آورد از روزهای می‌گویی که آبادان در محاصره بود و آن‌ها باید برای رفتن به اهواز از طریق دریا با لنج‌هایی که هر آن ممکن بود از سوی عراقی‌ها هدف قرار بگیرند به بندر امام خمینی و از آنجا به اهواز می‌رفتند تا خانواده خود را در این شهر ببینند.

حاج عباس می‌گویی: واقعاً آن بی‌رحمانی که این جنگ را آغاز کردند با چه هدفی این کار را کردند؟ چه کودکان و زنان و جوانان برومندی در این جنگ از دست ما رفتند و چه مشقت‌هایی کشیدیم. امروز آن‌ها که جنگ را آغاز کردند به زباله‌دان تاریخ پیوستند و دیگر کسی به دلیل هشت سال تلاش به منظور ویرانی ایران، برای آن‌ها کف نمی‌زند.

این است سرنوشت آن‌هایی که خون بی‌دفاعان را ریختند و زندگی‌های بسیاری را به تباهی کشاندند.